

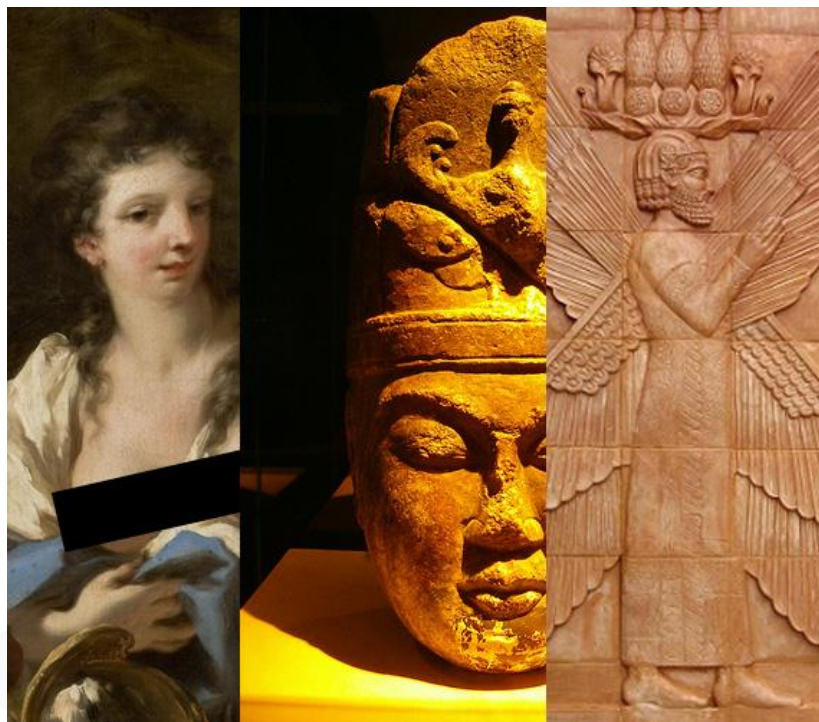
کوروش بزرگ و ترکها

ایا ترکها کوروش بزرگ را کشتند؟!



نویسنده:

اشکان دهقان



کوروش بزرگ و تُرک‌ها (آیا تُرک‌ها کوروش بزرگ را کُشتند؟!)

اشکان دهقان

۲۸ مهر ۱۳۹۴

گرافیک طرح روی جلد: مهسا پارسی

آیا ترک‌ها کوروش بزرگ را کشتند؟!

اشکان دهقان

مطابق با به‌روزرسانی ۲۸ مهر ۱۳۹۴

متأسفانه این روزها به دلیل آنکه کم‌کاری‌هایی در حوزه تاریخ ایران باستان انجام گرفته است، شاهد رواج ادعاهای نادرست در ایران هستیم و تأسف آورتر از آن پذیرش این ادعاها از طرف برخی طیف‌ها می‌باشد. شاید شما هم شنیده باشید که برخی می‌گویند ملکه تُرک‌ها، کوروش را به قتل رساند و حتی به آن افتخار می‌کنند! حتی این موضوع را به نادرست به آذربایجان ربط می‌دهند و قصد سوء استفاده از این موضوع را دارند. این ادعا گرچه بسیار سطحی است اما به هر حال رواج گسترده آن در فضای مجازی نگران کننده می‌باشد به طوری که بایسته است پاسخ این ادعاهای بی اساس داده شود.

در اینکه منطقه آذربایجان تاریخ پرافتخاری داشته است، شکی نیست، مردمان منطقه‌ای که امروز به آذربایجان می‌شناسیم، مردمانی با فرهنگ بودند و دستاوردهای با شکوهی داشتند. اما این پیشینه پر افتخار در کنار دیگر مناطق ایرانی و پیوند ناگسستنی آذربایجان با ایران حاصل شده است. افتخارات راستین که اسناد و مدارک زیادی آنها را ثابت می‌کنند درباره آذربایجان کم نیستند و نمی‌دانم چرا برخی می‌خواهند با تحریف منابع تاریخی شخصیت‌هایی که هیچ ربطی به آذربایجان ندارند را به این منطقه ربط دهند! به نظر می‌رسد این افراد هم بدخواه ایران و هم بدخواه آذربایجان هستند. در واقع سازندگان چنین مواردی اهدافی را دنبال می‌کنند که مرتبط با تاریخ و فرهنگ نیست بلکه به دنبال منافع خود هستند و متأسفانه از هر راهی برای رسیدن به این منافع استفاده می‌کنند.

به هر حال این موضوع ریشه در روایت افسانه‌ای هرودوت درباره مرگ کوروش دارد که مرگ کوروش را در نتیجه جنگ با ماساگت‌ها نوشته است. اما تعجب آور تر از آن ربط دادن ماساگت‌ها به ترک‌ها می‌باشد که بدون هیچ دلیل و مدرکی چنین ادعایی صورت می‌گیرد. گویندگان چنین ادعایی معمولاً ملکه ماساگت‌ها یعنی تومیریس^۱ را تبدیل به یک قهرمان می‌کنند و حتی به او لقب «مادر» (آنا تومروس) می‌دهند!

پیش از آنکه به بررسی ماساگت‌ها و ترک‌ها و بی‌ربطی آنها بپردازیم چند سوال مطرح می‌شود!

¹ Tomyris

آیا کسانی که معتقدند روایتی که هرودوت گفته درست است، آداب و رسومی که هرودوت درباره قوم تومیریس آن هم درست بلافاصله بعد از داستان مرگ کوروش گفته است را می‌پذیرند؟! آیا با تفسیری که خودشان دارند و ماساگت‌ها را ترک می‌دانند این آداب و رسوم را درباره ترک‌ها می‌پذیرند که هرودوت گفته است: «... زنان به همگان تعلق دارند... هر مرد ماساگت که زنی را بخواهد به جلوی کلبه او ترکش خود را می‌آویزد و با خیالی آسوده، با او در می‌آمیزد... هنگامی که مردی به نهایت پیری رسید همه نزدیکان او گرد می‌آیند و او را همزمان با چند رأس حیوان قربانی می‌کنند، بعد گوشت‌ها را می‌پزند و با آنها یک ضیافت ترتیب می‌دهند...» (هرودوت، کتاب ۱، بند ۲۱۶).



تومیریس در نقاشی جوانی آنتونیو پلگیرینی^۲ که به نظر می‌رسد تحت تأثیر گفتار هرودوت درباره ماساگت‌ها ترسیم شده است

به هر حال همانطور که روایت هرودوت درباره مرگ کوروش افسانه‌ای و نادرست است، گفتار او درباره ماساگت‌ها هم اغراق آمیز می‌باشد و البته

² Giovanni Antonio Pellegrini

ماساگت‌ها هم هیچ ارتباطی به ترک‌ها ندارند. هرودوت درباره دیگر رویدادهای تاریخی و اقوام و ملل گوناگون هم چنین داستان‌هایی را ذکر می‌کند و در بسیاری از آنها موارد جنسی را مورد توجه قرار داده است. به طور کلی به نظر می‌رسد هرودوت برای جذاب‌تر کردن داستان‌هایش از این موارد بهره می‌برده است و بعید نیست یکی از دلایلی که داستان تومیریس را برای مرگ کوروش انتخاب کرده است همین موارد باشد. درباره روایت مذکور هرودوت پیرامون مرگ کوروش بزرگ، خود هرودوت اعتراف کرده است که چند روایت شنیده و روایت دلخواه را انتخاب کرده (هرودوت، کتاب ۱، بند ۲۱۴) و همچنین فقط هرودوت این داستان را نقل کرده است (گفته مورخان دیگر ریشه در روایت هرودوت دارد) و از طرفی شواهد تاریخی و باستان‌شناختی خلاف گفته‌های هرودوت می‌باشند. گرچه روایات گوناگونی از مرگ کوروش در منابع تاریخی آمده است، اما بررسی منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد که کوروش بزرگ در قلمروی خودش دار فانی را وداع گفته است و آرامگاه کوروش بزرگ هم در پاسارگاد قرار دارد. اما هرودوت نوشته است، پیکر کوروش نزد ملکه ماساگت‌ها مانده است که آشکارا مشخص می‌شود روایت هرودوت نادرست است. البته این تنها دلیل برای رد گفته هرودوت نیست و دلایل دیگر هم در این باره وجود دارد که پیش از این در یک نوشتار به صورت نسبتاً مفصل به این موضوع پرداخته ایم.

برای دانش بیشتر درباره مرگ کوروش بزرگ نگاه کنید به:

دهقان، اشکان (۱۸ شهریور ۱۳۹۶). «مرگ کوروش بزرگ». پایگاه خردگان. نشانی

رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=3222>

همچنین درباره آرامگاه کوروش بزرگ نگاه کنید به:

شهرکی، کوروش (۸ شهریور ۱۳۹۶) «آرامگاه کوروش بزرگ یا قبر مادر سلیمان؟».

پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=16629>

خالقیان، مجید؛ شهرکی، کوروش؛ پارسا، پوریا (۲۵ خرداد ۱۳۹۶). «آیا آرامگاه

کوروش بزرگ در پاسارگاد قرار دارد؟». خردگان. نشانی رایاتاری:

<http://kheradgan.ir/?p=10028>

ماساگت‌ها چه کسانی بودند؟

از روایات و شواهد تاریخی بر می‌آید که ماساگت‌ها از اقوام کوچ روی ساکن در ماوراءالنهر بودند. در این بین اظهارات برخی که ماساگت‌ها را ساکن نواحی غربی و حوالی اران و آذربایجان می‌دانند، نادرست است. خود هرودوت هم تأکید می‌کند که آنها در شرق دریای کاسپین (دریای شمال ایران کنونی) و بالای رود آراکس^۳ ساکن بوده‌اند (هرودوت، کتاب ۱، بندهای ۲۰۱ و ۲۰۴). گفتار هرودوت درباره آراکس کمی مبهم است اما به نظر می‌رسد منظور از رود آراکس همان جیحون یا آمودریا^۴ است (بارگه، ۱۳۸۹: ص ۲۲۹، پی‌نوشت

³ Araxes

⁴ Oxus

(۲۲۳). متأسفانه عده ای به نادرست و با اهداف خاص دنبال آن هستند که ماساگت‌ها را با اران و آذربایجان کنونی ارتباط دهند! جالب آنکه برای گفته خود به هرودوت استناد می‌کنند و همانطور که اشاره شد خود هرودوت نوشته است که آنها در شرق دریای کاسپین سکونت داشته‌اند (هرودوت، کتاب ۱، بند ۲۰۴). گرچه بررسی نوشته‌های هرودوت نشان می‌دهد که او درک دقیقی از نام جای‌ها و مکان‌ها نداشته است و ابهاماتی در گفته وی دیده می‌شود (کما اینکه درباره نام آراکس چنین ابهاماتی وجود دارد)، اما در هنگام تهاجم اسکندر مقدونی و در دسرهایی که در همان نواحی شرق و شمال شرق (آسیای مرکزی) پیدا کرد باز هم در منابع تاریخی از ماساگت‌ها یاد می‌شود و دیگر شکی باقی نمی‌ماند که ماساگت‌ها در نواحی شرقی و شمال شرقی ساکن بوده اند (ن.ک: دانی، ۱۳۷۵: ۷۰-۶۸).

ارتباط و شباهت ماساگت‌ها با سکاها مورد توجه اکثر پژوهگران قرار گرفته است. سکاها قبایل کوچ نشینی بودند که در نواحی گوناگون گسترش یافتند.

اکثر پژوهشگران معتقدند که ماساگت‌ها به یکی از زبان‌های خانواده زبانی ایرانی تکلم می‌کردند (Diakonoff, 2003: p. 48). از دیگر زبان‌های خانواده زبانی ایرانی در آن عصر می‌توان به پارسی، مادی، سغدی و... اشاره کرد. در اینجا به صورت مختصر اشاره می‌کنیم که طبیعتاً ماساگت‌ها نمی‌توانستند ترک باشند چرا که هویت ترک قرن‌ها بعد (قرن‌های پنجم و

ششم پس از میلاد) در ناحیه آلتای (حوالی مغولستان و چین) شکل گرفت اما از ماساگت‌ها حتی در قرن‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد یاد شده است. شواهدی که از ایرانی زبان بودن آنها وجود دارد اول نام شخصیت‌های آنهاست از جمله همان تومیریس که ریشه ایرانی برای آن وجود دارد. همچنین نام قوم آنها یعنی ماساگت که ریشه ایرانی دارد. اکثراً «ماساگت» را با «بزرگ» در ارتباط می‌دانند و در این میان برخی از پژوهشگران، واژه ماساگت را مرتبط با سکا‌های بزرگ دانسته اند (ن.ک: سرکاراتی، ۱۳۵۳: ص ۳۵۵، پانویس؛ Christensen, Die Iranier). محل سکونت ماساگت‌ها هم این نظرها را تقویت می‌کند چرا که در آن نواحی معمولاً اقوام سکایی ساکن بودند. به هر حال منطقی است که با توجه به روایات تاریخی، ماساگت‌ها را از اقوام سکایی و در نتیجه ایرانی زبان بدانیم.

نخستین بار چه کسانی ترک خوانده شدند؟!

از آنجایی که اقوامی که در طول تاریخ ترک خوانده می‌شدند از اقوام کوچ رو بودند بحث و بررسی تاریخ ترک‌ها کمی دشوار است اما در جستجوی اینکه نخستین بار چه کسانی ترک خوانده شدند و چگونه هویت آنها تداوم پیدا کرد باید به منابع چینی توجه داشته باشیم. در واقع مهم ترین منابع درباره روزگار نخستین شکل‌گیری هویت ترک‌ها، رویدادنامه‌های امپراتوران چین است و هویت ترک، نخستین بار در حوالی مغولستان و چین پدید آمد.

چنین می‌نماید که هویت ترک از آمیختگی چند گروه و قبیله به وجود آمد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قبایل «آشینا»^۵ اشاره کرد. این قبیله‌ها در غرب ایالت «شانسی» چین می‌زیستند و در پیکارهای چینیان با هون‌ها در سده چهارم میلادی شرکت داشتند و بعد به تبعیت هون‌ها درآمدند. ولی طی اتفاقاتی که به شکست هون‌ها انجامید، به جنوب کوه‌های آلتای پناه بردند و در آنجا سکنی گزیدند (رضا، ۱۳۷۴: ص ۲۹-۳۰). آلتای در شرق کوه‌های اورال و کنار سرزمین مغولستان گسترده است.

چینیان اتباع خانهای «آشینا» را «تو-کیو»^۶ می‌گفتند. با توجه به اینکه چینیان در زبان خود مخرج «ر» ندارند، این نام بعدها از سوی پلیو دانشمند فرانسوی به صورت ترکیوت^۷ خوانده شد که در واقع تلفظ درست‌تر واژه تو-کیو است که با مخرج «ر» همراه شده است (همان: ۳۱).

ترک‌هایی که ریشه در نواحی آلتای داشتند خود را از نسل گرگ می‌دانستند. در افسانه‌های ترک‌ها، مردمانی از آمیختگی انسان و گرگ بوجود آمده‌اند^۸ و با توجه به دو افسانه مشهور ترک‌ها و نیز پژوهش‌های دانشمندان به نظر می‌رسد، فراریانی که منشاء آنان از قبیله هون‌ها بود و آمیختن آنها با گروه‌هایی از قبایل آشینا رفته رفته هویت ترک یا ترکیوت را بوجود آورد.

^۵ درباره آشینا فرضیه‌های گوناگونی مطرح شده است اما به نظر می‌رسد ۵۰۰ خانواده متحد بودند.

^۶ tu-kiu

^۷ tur-kiut

^۸ واژه آشینا را برخی مرتبط با گرگ دانسته‌اند. در زبان مغولی گرگ را «شینو» (shino) می‌نامدند. پیشوند (آ) که پیش از «شینو» آمده است، در زبان چینی نشانه احترام است. بدین روال واژه آشینو و یا آشینا به معنای گرگ محترم و نجیب است (رضا، ۱۳۷۴: ص ۳۱). بعدها گرگ در میان ترک‌ها از جایگاه والایی برخوردار شد و حتی خودشان را از نسل گرگ می‌دانستند.

این ترک‌ها از نظر ویژگی‌های ظاهری معمولاً چشمانی کشیده، بدن‌های کم‌مو و ویژگی‌هایی شبیه به کسانی که در ترکستان چین می‌بینیم داشته‌اند.



کول تیگین^۹ از شاهزادگان خانات گوک‌ترک (منبع عکس: Waugh, 2007)

این مردمان بعدها و در همان عهد باستان توانستند فتوحات نسبتاً زیادی را انجام دهند و خود را در سطح جهانی معرفی کنند. آنها اتحادی تشکیل دادند که از آن با نام‌هایی مانند خاقانات ترک و یا خانات گوک‌ترک یاد می‌شود.

یکی از شخصیت‌های مهم تاریخ آنان شخصی به نام بومین خان بوده و نامش در سنگ نبشته اورخون به صورت «بومین خاقان^{۱۰}» آمده است. بومین خان توانست پیروزی‌های بزرگی را بدست آورد و ترک‌ها را از زیر فرمان

^۹ Kul Tigin

^{۱۰} Bumin Kagan

ژوزان‌ها یا ژوان ژوان‌ها^{۱۱} خارج سازد. فرزندان و خویشان او پیروزی‌های دیگری را به دست آوردند و پس از مدتی بسیاری از مناطق را تحت تسلط خود داشتند. گوک‌ترک‌ها با ساسانیان هم ارتباط پیدا کردند و مدتی با آنها در صلح بودند و مدتی در جنگ (ن.ک: [de la Vaissière, 2011](#)؛ قریب، ۱۳۸۶: ص ۲۸). شاید از همینجا بود که توانستند شهرت جهانی پیدا کنند. مراودات ترک‌ها با سغدیان، تأثیر قابل توجهی بر آنها گذاشت زیرا سغدیان به ترک‌ها الفبا دادند و در مهاجرت‌ها آنان را هدایت می‌کردند (فرای، ۱۳۷۷: ص ۳۹۰).

نام ترک یا تورک در پهنه آسیا انتشاری بس گسترده یافت. تازیان همه جنگاوران کوچ‌نشین ساکن شمال سرزمین سغد را ترک می‌نامیدند. از این رو بسیاری از اقوام ساکن آسیای مرکزی، به خطا به ویژه در دوران بعد از اسلام ترک نامیده شدند (رضا، ۱۳۷۴: ص ۲۹) در صورتی که از نظر قومی هیچ پیوندی با ترک‌ها نداشتند.

با توجه به این گفته‌ها نمی‌توان ارتباطی میان ماساگت‌ها که در دوران پیش از میلاد شهرت داشتند و ایرانی زبان بودند با ترک‌ها پیدا کرد.

^{۱۱} ژوزان‌ها یا ژوان ژوان‌ها کوچ‌نشینان ساکن دشت بودند که در فاصله‌های سده‌های چهارم تا ششم میلادی بخشی از دشت‌های شمال چین را در تصرف خود داشتند. سرزمین آنها از ناحیه هینگان تا سرزمین آلتای امتداد داشت. ژوان ژوان‌ها در سده پنجم میلادی با هون‌های شرقی و در سده ششم میلادی با ترک‌ها درگیری و پیکار داشتند.

سخن پایانی

روایت هرودوت درباره مرگ کوروش بزرگ بیشتر شبیه به افسانه است و با شواهد تاریخی و یافته‌های باستانی هماهنگی ندارد. خود هرودوت هم اعتراف کرده است که چند روایت درباره مرگ کوروش بزرگ شنیده و یکی را به دلخواه انتخاب کرده است. اما در افسانه هرودوت به هیچ وجه کسانی که کوروش را به قتل می‌رسانند (ماساگت‌ها) اقوام متمدنی نیستند و هرودوت چندان به آنها احترام نگذاشته و آدابی مانند «فاحشگی عمومی» و «آدم خواری» را به آنها نسبت داده است. به نظر می‌آید هم داستان هرودوت درباره مرگ کوروش و هم مواردی که درباره آداب و رسوم ماساگت‌ها می‌گوید، افسانه‌های غیر قابل اعتنا هستند.

در این میان ماساگت‌ها هیچ پیوندی با ترک‌ها نداشتند. با توجه به آنکه ساکن شرق دریای کاسپین بودند طبیعتاً هیچ ارتباطی هم با آذربایجان نداشتند. برخی به منظور ایجاد تفرقه در میان اقوام ایرانی به دنبال سوءاستفاده از افسانه هرودوت و همچنین به دنبال تحریف تاریخ هستند. لازم به ذکر است که کسانی که صرفاً بر اساس هرودوت ملکه ماساگت‌ها را مادر ترک‌ها می‌نامند، با توجه به آداب و رسوم که هرودوت درباره ماساگت‌ها گفته است، به نوعی به ترک‌ها هم توهین می‌کنند.

شناسنامه نوشتار:

دهقان، اشکان (۲۸ مهر ۱۳۹۴). «آیا تورک‌ها کوروش را کشتند؟!». پایگاه خردگان.

نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=11531>

بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها:

انی، ا. ح (۱۳۷۵). «لشکرکشی اسکندر در آسیای مرکزی». ترجمه صادق ملک

شهمیرزادی. در تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی پژوهش یونسکو. ج ۲، ب ۱.

تهران: وزارت امور خارجه. صص ۶۱-۹۶.

رضا، عنایت الله (۱۳۷۴). *ایران و ترکان در روزگار ساسانیان*. تهران: علمی و

فرهنگی.

سرکاراتی، بهمن (پاییز ۱۳۵۳). «اخبار تاریخی در آثار مانوی». دانشکده ادبیات و

علوم انسانی تبریز. ش ۱۱۱. صص ۳۳۹-۳۶۱.

فرای، ریچارد نلسون (۱۳۷۷). *میراث باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران:

علمی و فرهنگی.

قریب، بدرالزمان (۱۳۸۶). *مطالعات سغدی*. به کوشش محمد شگری فومشی، تهران:

طهوری.

هرودوت (۱۳۸۹). *تاریخ هرودوت*. ترجمه مرتضی ثاقب فر. بر اساس ترجمه آندره

بارگه. تهران: اساطیر.

Christensen, Arthur. “Die Iranier” in *Kulturgeschichte des alten Orients*. 3. S. 250, Anm. 4.

de la Vaissière, Étienne (March 4, 2011). “SOGDIANA iii. HISTORY AND ARCHEOLOGY“. *Encyclopedia Iranica*.
<http://www.iranicaonline.org/articles/sogdiana-iii-history-and-archeology>

Diakonoff, Igor Mikhailovich (2003). “Media” in *The Cambridge History of Iran*. vol.2, pp. 36-149.

Waugh, Daniel C. (April 2007).
<http://depts.washington.edu/silkroad/museums/ubhist/ubhist0553.jpg>. UW Departments Web Server.

پایگاه خردگان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR